

تحلیل کفتمان ولایت فقیه در نظام سیاسی ایران

فازدین پرست

www.ketab.ir

انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)
تهران: بزرگراه شهید چمران
پل مدیریت
تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲
صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵
E-mail: isu.press@yahoo.com



دانشگاه امام صادق (ع)

تحلیل گفتمان ولایت فقیه در نظام سیاسی ایران ■ تألیف: فائز دین پرست
ناشر: دانشگاه امام صادق (ع) ■ ویراستار ادبی: محمد رضا موسوی ■ چاپ اول: ۱۳۹۰
قیمت: ۴۵۰۰۰ ریال ■ شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه ■ چاپ و صحافی: زلال کوثر
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۰۶۸-۵

همه حقوق محفوظ و متعلق به ناشر است.

عنوان و نام پدیدآور: تحلیل گفتمان ولایت فقیه در نظام سیاسی ایران / فائز دین پرست.

مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع) ۱۳۹۰

شابک: ۴۵۰۰۰ ریال ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۰۶۸-۵

مشخصات ظاهری: ۲۶۴ ص.

یادداشت: کتابنامه: ص ۲۴۵ - ۲۵۹

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: ولایت فقیه

موضوع: رهبری -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام

موضوع: شیعه و سیاست -- ایران

سرشناسه: دین پرست، فائز، ۱۳۵۹ -

شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)

رده بندی دیویی: ۲۵/۳۹۷

رده بندی کنگره: ۱۳۹۰ د ۹۳۲/۳ ت ۲۲۳/۳ BPA

شماره کتابشناسی ملی: ۹۳۲۵۳۲۲

- فصل ۲. تبارشناسی گفتمان ولایت فقیه ۴۷
۱. بحران جانشینی: زمینه‌ی اندیشه‌ی سیاسی مسلمانان ۴۷
۲. شیعه و مسأله‌ی غیبت ۵۰
۳. گفتمان‌های سیاسی شیعی در عصر پساغیبت ۵۵
- ۳-۱. گفتمان اجتهاد در عصر صفوی ۶۶
- ۳-۲. گفتمان اجتهاد در عصر قاجار تا مشروطه ۷۲
۴. دین و دولت در عهد قاجار ۸۰
- ۴-۱. گفتمان اجتهاد در جنبش مشروطه ۹۰
- خلاصه و جمع‌بندی ۹۷
- بخش دوم: انقلاب اسلامی و چرخش گفتمانی ۹۹
- فصل ۳. سیاست و انقلاب در گفتمان سنتی ۱۰۱
۱. جهان‌شناسی دوگانه ۱۰۲
۲. نظم سلطانی: بازتاب نظم کیهانی ۱۰۶
۳. امتناع انقلاب در جهان‌شناسی سنتی ۱۰۹
- خلاصه و جمع‌بندی ۱۱۳
- فصل ۴. انقلاب: چرخش زبانی ۱۱۵
۱. دیرینه‌شناسی انقلاب ۱۱۵
۲. اندیشه‌ی انقلاب در ایران ۱۲۳
- ۲-۱. روشنفکران عرفی و مفاهیم جدید ۱۲۳
- ۲-۲. سید جمال‌الدین اسدآبادی: پیام آور انقلاب ۱۲۶
- ۲-۳. بازتاب انقلاب فرانسه در ایران ۱۲۸
- ۲-۴. انقلاب و اندیشه‌ی چپ ۱۳۱
- ۲-۴-۱. سوسیال‌دموکرات‌های مسلمان ۱۳۳

۱۳۹.....	۲-۴-۲. جنبش جنگل.....
۱۴۲.....	۲-۴-۳. گروه دکتر ارانی (۵۳ نفر).....
۱۴۴.....	۲-۴-۴. حزب توده.....
۱۴۸.....	خلاصه و جمع‌بندی.....
۱۵۱.....	فصل ۵. شرایط امکان انقلاب اسلامی.....
۱۵۲.....	۱. اجتهاد و سیاست در عصر پسا مشروطه: جهاد در برابر بیگانگان.....
۱۵۴.....	۲. پیدایش جنبش‌های رادیکال اسلامی.....
۱۵۶.....	۳. دین و دولت در عصر پهلوی.....
۱۵۶.....	۳-۱. دین و دولت در دوره‌ی پهلوی اول.....
۱۶۴.....	۳-۲. دین و دولت در دوره‌ی پهلوی دوم.....
۱۶۴.....	۳-۲-۱. روحانیت و ملی شدن نفت.....
۱۶۷.....	۳-۲-۲. آیت‌الله بروجردی: مرجع بزرگ زمانه.....
۱۶۸.....	۴. تحركات اسلام سیاسی.....
۱۶۹.....	۴-۱. سوسیالیست‌های خداپرست.....
۱۷۰.....	۴-۲. فدائیان اسلام: مسلمانان انقلابی.....
۱۷۳.....	۴-۳. اصلاحطلبی دینی و تحركات فرهنگی.....
۱۷۷.....	۵. امام خمینی (ره): سوژهی سیاسی.....
۱۷۷.....	۵-۱. زندگی سیاسی امام خمینی (ره).....
۱۸۶.....	۵-۲. چرخش‌های زبانی در گفتمان امام خمینی (ره).....
۱۸۶.....	تقیه.....
۱۸۸.....	امر به معروف و نهی از منکر.....
۱۹۰.....	عاشورا.....
۱۹۲.....	۵-۳. زمینه‌ی تفکر سیاسی امام خمینی (ره).....
۱۹۸.....	خلاصه و جمع‌بندی.....

۲۰۱.....	نخستین سوم: ولایت فقیه و دولت مدرن
۲۰۳.....	فصل ۶. جمهوری اسلامی: تلائم یا تعارض
۲۰۳.....	۱. شرایط امکان جمهوری اسلامی
۲۰۶.....	۲. زایش جمهوری اسلامی
۲۱۰.....	۳. عناصر جمهوری اسلامی
۲۱۰.....	۳-۱. قانون (شریعت)
۲۱۲.....	۳-۲. ولایت فقیه
۲۱۳.....	۳-۳. مردم
۲۱۳.....	۳-۳-۱. مردم و ریاست جمهوری
۲۱۴.....	۳-۳-۲. مردم و مجلس شورای اسلامی
۲۱۶.....	خلاصه و جمع‌بندی
۲۱۷.....	فصل ۷. مصلحت دولت: شرایط امکان ولایت مطلقه‌ی فقیه
۲۱۸.....	۱. مصلحت در تاریخ فقه سیاسی شیعه
۲۱۹.....	۲. نظام سیاسی دوکانونی و مشکله‌ی قانون/شرع
۲۲۰.....	۳. زایش ولایت مطلقه‌ی فقیه
۲۲۹.....	خلاصه و جمع‌بندی
۲۳۱.....	فصل ۸. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۲۳۹.....	یادداشت‌ها
۲۴۵.....	کتابنامه
۲۴۵.....	(۱) منابع فارسی
۲۵۸.....	(۲) پایگاه‌های اینترنتی
۲۵۸.....	(۳) منابع انگلیسی
۲۵۹.....	(۴) منابع عربی

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
 وَكَذَٰلِكَ أَتَيْنَا دَاوُودَ وَ سُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
 فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
 (قرآن کریم، سوره مبارکه النمل، آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق علیه السلام که از سوی ریاست دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی‌ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهرمندی از نتایج آنهاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی -

مقدمه

صورت‌بندی کنونی زندگی سیاسی ما، بی‌تردید حاصل اندرکنش‌های دهه‌ها و سده‌های گذشته است. از این رو هرگونه تلاش برای بهسازی و اصلاح زندگی سیاسی امروز ایرانی، بدون فهم زمینه‌های این صورت‌بندی ممتنع نخواهد بود.

زندگی «جدید» سیاسی ما گذشته از آن‌که حاصلت جدید [۱] دارد، اما در عین حال متعلق به «ما»یی است که سنت و گذشته‌ی خاص دارد و وجهی امروزی آن نیز، بیش از آن‌که هویتی یگانه و حالص داشته باشد، محصول تلاقی و تعاطی گفتمان‌های هویت‌سازی است که در نتیجه‌ی آن، هویت سیاسی معاصر ایرانی، خصلتی موزاییکی یافته است.

آن‌گونه که گادامر به‌درستی گفته است (390-389: 1994)، سنت [۲] - و در این مقام، سنت دیرپای اسلامی - را نباید تکرار تاریخی تلقی کرد. سنت، متناسب با زمینه و زمانه، گفتمان‌های متنوع تولید کرده است و از قبل این گفتمان‌ها بخش‌هایی از ظرفیت‌های خود را آشکار کرده است.

گفتمان «ولایت فقیه» در عرصه‌ی سیاست یکی از مهم‌ترین گفتمان‌هایی است که در سپهر سنت شیعی در دوران پساغیبت پرداخته شده و به‌تدریج

این اثر یک پای در جهان سنت دارد و پای دیگر در جهان مدرن. سنت از آن روی که گفتمانی را متعلق فهم قرار داده است که تباری سنتی دارد و مدرن از آن حیث، که این گفتمان در زمینه‌ای مدرن به ایفای نقش پرداخته است. اما در عین حال پاسخی که به پرسش بنیادین پژوهش داده می‌شود، نه این است و نه آن.

نگاه روش‌شناختی این پژوهش برگرفته از معرفت‌شناسی پست‌مدرن است. در این تلقی معرفت بشری نه امری یکه، خالص و مطلق بلکه پدیده‌ای زمینه‌مند و زمانه‌مند انگاشته می‌شود. معرفت‌شناسی پست‌مدرن، البته خصیصه ضدعقلی و نسبی‌گرایانه دارد، که حتی گاه امکان هر نوع اندیشه‌ورزی را ممتنع می‌سازد. بدیهی است در این مقام، چنین رهیافتی به صورت خالص و بدون نقد به کار گرفته نشده است. چگونگی کاربرد و ملاحظات روشی پژوهش، به گونه‌ای تفصیلی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. به هر روی، با چنین رویکردی فرضیه‌ی این پژوهش چنین خواهد بود:

تحولات و نقش‌آفرینی‌های ولایت فقیه در نظام سیاسی معاصر ایران در چارچوب شرایط حاصل از عوامل سطح فردی سازه‌ی سیاسی (ویژگی‌های امام‌خمینی(ره)) و سطح ملی (تاریخ فکری، سیاسی و اجتماعی ایران) قابل فهم است.

قرائت سنتی، در تداوم همان دانش سنتی به تولید دانش می‌پردازد و با رویکردی تاریخ‌گريزانه، دانش سنتی را چونان حقیقتی مطلق، ازلی، ابدی و غیر قابل نقد می‌داند. این رهیافت بر این فرض متکی است که می‌توان آنچه را در گذشته رخ داده و گفته شده است، در آینده نیز به‌کار گرفت.

اگر قرانت سنتی، در دنیای مدرن هم به دنبال تنفس در سنت است، در مقابل قرانت شرق‌شناسانه، غرب را محور اندیشه‌ورزی خود قرار می‌دهد و با ملاک‌ها، معیارها و ارزش‌های مدرنیته‌ی غربی به مطالعه‌ی سنت اسلامی می‌پردازد. (فیرحی، ۱۳۷۸: ۳۲) در این نگاه فاعل شناسا (محقق) از منظری استعلایی- که البته گمان می‌رود که این منظر سرنوشت محتوم بشری است و تاریخ جریانی خطی دارد- به مطالعه و کاوش سنت اسلامی می‌پردازد. شرق‌شناسی، سنتی را تدوین می‌کند که بیش از آن که گویای سنت اسلامی باشد، برساخته‌ی تجمد غربی است.

این هر دو روی کرده، علی‌رغم این که دو خاستگاه متفاوت دارند، اما از خصلتی یگانه برخوردارند و آن چیزی نیست جز خیال خام مطلق‌اندیشی فراتاریخی. روی کرد نخست، فهم گذشتگان را معیار و ملاک و اصولاً حقیقت مجسم می‌داند و رویکرد دوم، فرآورده‌ی انسان دوران روشنگری را. اما واقع آنست که نه دین خدا صرفاً برای گذشتگان بود که فهم ایشان حجیت داشته باشد، و نه دستاوردهای دوران روشن‌گری، نهایت اندیشه‌ورزی و پایان تاریخ آدمی است.

در این پژوهش برای اجتناب از مطلق‌اندیشی‌های گذشته‌گرایانه و غرب-گرایانه، رویکرد تحلیل گفتمان به کار گرفته شده است. در این رویکرد، وحی قرآنی و نصوص دینی به‌عنوان متون نخستین در نظر گرفته می‌شود و شروح و تفاسیر علمای اسلامی در طول زمان از متون دینی، متن دوم خوانده می‌شوند. شکل‌گیری متن دوم صرفاً بر اساس متن نخست نبوده و اصولاً امکان شکل‌گیری تفسیر خالص نیز ممکن نبوده است.

متون دوم محصول فهم علما و کارگزاران اندیشه‌ی اسلامی از متون مقدس دینی در بستر شرایط زمانی و مکانی است. با توجه به چنین امکانی در این پژوهش فهم شرایط زمانی و مکانی و بسترهای شکل‌گیری اندیشه‌ی انقلابی ولایت فقیه و نیز تبعات پسینی آن به استخدام روش تحلیل گفتمان صورت می‌گیرد.

با توجه به اهمیت اندیشه‌ی ولایت فقیه پژوهش‌های متعددی با رویکردهای مختلف سیاسی یا فقهی در سطوح مختلف مباحث بنیادی تا کاربردی به انجام رسیده است. گروهی از این پژوهش‌ها با رویکردهای مختلف به بررسی تاریخی این نظریه در آراء فقهای شیعه پرداخته‌اند که از آن جمله می‌توان به کتاب «پیشینه‌ی نظریه‌ی ولایت فقیه» اثر جعفر پیشه فرد از انتشارات دبیرخانه‌ی مجلس خبرگان و پایان‌نامه‌ی دکتری با عنوان «سیر تاریخی نظریه‌ی ولایت فقیه» (برجی، ۱۳۸۰) اشاره کرد که در نوع خود تصویر روشنی از تاریخچه‌ی این نظریه ارائه کرده‌اند. در همین گروه هم‌چنین می‌توان از کتاب «نظریه‌های دولت در فقه شیعه» اثر محسن کدیور نام برد.

گروهی دیگر از پژوهش‌ها به بررسی و تحلیل مفهومی ولایت فقیه پرداخته‌اند که از جمله می‌توان به آثاری چون کتاب «ولایت فقیه و رهبری در اسلام» اثر عبدالله جوادی آملی، «دراسات فی ولایت فقیه» اثر حسین علی منتظری اشاره کرد. رویکرد مختار این دسته، بررسی ادله‌ی عقلی و نقلی و منطقی درونی این نظریه است. در این پژوهش‌ها هرچند مباحث و مفاهیم درونی این اندیشه به نحو مناسبی مورد توجه قرار گرفته، اما پیوستگی اندیشه و زمینه‌ی اندیشه مطمح نظر این محققان نبوده است.

اما دسته‌ی سوم پژوهش‌های مرتبط، بررسی این پیوستگی و ارتباط را موضوع پژوهش خود قرار داده‌اند که در این میان می‌توان به برخی پژوهش‌های جامعه‌شناختی و تحلیل‌های جدید اشاره نمود. جمیله کدیور مولف کتاب «تحول گفتمان سیاسی شیعه» کوشیده است تا با چنین رویکردی به بررسی و تحلیل اندیشه‌ی فقهای شیعه در باب حکومت بپردازد که البته این بررسی و تحلیل را صرفاً تا مقطع پیش از انقلاب اسلامی ایران ادامه داده، و مباحث مرتبط با این دوره‌ی مهم تاریخی را مورد بررسی قرار نداده است. مضافاً این‌که، الگوی تحلیل گفتمان کاربست دقیقی در این پژوهش نیافته است.

در این میان به کمتر اثری برمی‌خوریم که گفتمان ولایت فقیه و تحولات آن را در دوران معاصر مورد بحث و فحص قرار دهد. نویسنده‌ی کتاب «اسلام سنت و دولت مدرن» (میرموسوی، ۱۳۸۴) کوشیده است به بررسی و نسبت‌سنجی اندیشه‌ی سیاسی شیعه با دو ساخت سیاسی دولت قدیم و دولت مدرن بپردازد. در این کوشش به اقتضای بحث، توجه مستوفی و مناسبی به رابطه ولایت فقیه با نظام سلطانی و نظم جمهوری در قالب دولت مدرن معطوف شده است.

نویسنده‌ی رساله‌ی «امام خمینی (ره) و شالوده‌شکنی گفتمان سنتی» (بابایی، ۱۳۸۲) نیز به سهم خود کوشیده است با الهام از رویکرد شالوده‌شکنی [۳] دریدا، طرح مفاهیم نویی چون انقلاب، جمهوریت، زن و مصلحت نظام را در رابطه‌ای شالوده‌شکنانه نسبت به گفتمان سنتی در اندیشه‌ی امام خمینی (ره)، مورد پژوهش قرار دهد. در این رساله با توجه به رویکرد پژوهشی اتخاذ شده، عمدتاً به بررسی مفهومی و محتوایی گفتمان امام پرداخته

شده و رابطه‌ی قدرت - دانش - که منظور پژوهش حاضر است - کم‌تر مورد توجه بوده است.

تحلیل نهضت آزادی ایران از مفهوم ولایت مطلقه‌ی فقیه (۱۳۶۶) و آثار صاحب‌نظرانی چون نیکی، آرکدی (۱۳۸۶: ۱۱۳-۱۲۶) و سعید امیر ارجمند (۱۳۷۲: ۱۱-۱۰) نیز هرچند متضمن بحث از زمینه‌های تاریخی و اجتماعی ولایت فقیه در دوره‌ی جمهوری اسلامی است؛ اما ناآشنایی این افراد با فقه و تاریخ فقهها موجب ارائه‌ی درکی ناقص از موضوع شده است.

در میان موضوعات مورد علاقه‌ی این پژوهش، ورود عنصر مصلحت در مفصل‌بندی گفتمان ولایت فقیه، موضوع برخی پژوهش‌ها و تکننگاری‌های مهمی بوده است که از آن جمله می‌توان به رساله‌ی «جایگاه مصلحت در حکومت اسلامی» (افتخاری، ۱۳۸۴) اشاره کرد. نویسنده در این رساله، با بررسی تاریخی عنصر مصلحت در اندیشه‌ی سیاسی مسلمانان، چگونگی ورود مفهوم مصلحت و مدل‌های جدید آن را در اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی (ره) تشریح کرده است.

مسأله‌ی رابطه‌ی دوگانه‌ی اسلامیت و جمهوریت نیز به تفصیل و از خاستگاه‌های متعدد مورد بررسی قرار گرفته است، که از آن جمله می‌توان به کتاب اسلام و دموکراسی مشورتی (میراحمدی، ۱۳۸۴) اشاره کرد که در بخش سوم کتاب، نویسنده به بررسی رابطه اسلام و دموکراسی در چارچوب نظام جمهوری اسلامی پرداخته است. رابطه‌ی مفهوم انقلاب و اندیشه‌ی سیاسی شیعی - ایرانی، تاکنون کمتر مورد توجه بوده است. سید جواد طباطبایی در مقدمه‌ی جلد نخست «دیباچه‌ای بر انحطاط ایران» وعده داده است که تحول مفهوم انقلاب و کاربست آن را در سپهر اندیشه و عمل

سیاسی ایران، در جلد سوم این مجموعه به نمایش بگذارد او در این باب می‌نویسد:

سومین جلد که بررسی دهه‌های میان پیروزی جنبش مشروطه‌خواهی تا انقلاب اسلامی را در بر خواهد گرفت، کوششی خواهد بود تا تبیینی از تحول مفهوم انقلاب از مشروطه‌خواهی تا انقلاب اسلامی به دست دهد.

در این دوره، مفهوم انقلاب دگرگونی بنیادین پیدا کرد و جریان‌های نو در قلمرو اندیشه در ایران پدیدار شد، که خاستگاه آن‌ها تجربه‌ی شکست جنبش مشروطه‌خواهی و تفسیر اندیشه‌ی سنتی بر پایه‌ی نوعی از مارکسیسم مبتدل بود که به‌ویژه با حزب توده وارد ایران شد، تلفیقی میان نوعی ایدئولوژی سیاسی و اندیشه‌ی سنتی در وضعیتی در تاریخ اندیشه‌ی ایران ایجاد شد که به دنبال تصلب سنت، به تدریج گسستی، در نهان و ناآگاهانه با اندیشه‌ی سنتی ایجاد شده بود. در این دوره، بسیاری از نویسندگان بی‌آن که بدانند در درون نظامی از ایدئولوژی‌های جدید استدلال کردند، زیرا مجموعه‌ی مفاهیم اندیشه‌ی سنتی از مضمون کهن آن خالی شده بود و همین امر اجازه می‌داد تا وضعیتی ایجاد شود که من آن را لغزش از سنت به ایدئولوژی‌های جدید خواهم نامید. در توضیح مفهوم انقلاب نیز نمی‌توان از بررسی تطبیقی صرف‌نظر کرد. مفهوم انقلاب، بیش‌تر از مفهوم نظام مشروطه، مفهومی جدید و مضمون آن یک‌سره با دستگاه مفاهیم اندیشه‌ی قدیم در تعارض قرار دارد..... (۱۳۸۰: ۱۸-۱۷)

و اینک ارباب نظر و اندیشه، چشم‌انتظار این وعده‌اند. با التفات به این واقعیت که انقلاب پدیده‌ای است مدرن، داریوش شایگان نیز مفهوم انقلاب اسلامی را به چالش کشیده و چنین نوشته است:

اصطلاح انقلاب اسلامی چه معنایی دارد؟ این دو اصطلاح یا این دو جهان انقلاب و اسلام هیچ خویشاوندی هستی‌شناختی با هم ندارند و هر کدامشان در کهنکشان دیگری سیر می‌کنند... (۱۶)

در رابطه‌ی با انقلاب اسلامی نیز البته پژوهش‌های مختلف و متعددی انجام گرفته است که البته خارج از موضوع و مسأله‌ی این پژوهش است؛ مسأله‌ی این پژوهش چگونگی شکل‌گیری نشانه‌ی انقلاب اسلامی است و نه حتی چگونگی هژمونیک شدن آن، که در جای خود، موضوع پژوهش مستقلی است.

در زمینه‌ی چگونگی شکل‌گیری انقلاب اسلامی به‌مثابه یک پدیده اجتماعی هم آثار متعددی نگاشته است که خارج از حوصله و زمینه این نوشتار است. اما در عین حال آثاری چون «طل الله و امام غایب» (Amir Arjomand, 1984) و «عمامه به جای تاج» (Amir Arjomand, 1988) نوشته‌ی سعید امیر ارجمند و کتاب «ایران: از استبداد دینی تا انقلاب» (M.J.Fisher, 1980) را به دلیل امعان نظر به دیالکتیک نظر و عمل و رابطه‌ی دوسویه‌ی تحولات نظری اندیشه‌ی سیاسی و کنش‌ها و حوادث منجر به انقلاب، می‌توان در این پژوهش مورد توجه قرار داد.

در این میان، این تحقیق می‌کوشد تا ضمن توجه به پیشینه و مفاهیم این نظریه به بررسی شرایط تاریخی بپردازد که در تعامل با متن اندیشه‌ی ولایت

فقیه، امکانات درونی این نظریه را در مواجهه‌ی جدی با شرایط مدرن، پدیدار ساخته است. بدین ترتیب تطور اندیشه‌ی ولایت فقیه بازنمایی مستقیم شرایط قلمداد نمی‌شود، بلکه در واقع زمانه و زمینه، شرایط امکان پدیداری قابلیت‌های درونی متن را فراهم کرده‌است.

این اثر در سه بخش، یک مقدمه و یک نتیجه‌گیری تنظیم شده است. بخش اول (کلیات) که خود مشتمل بر دو فصل است، به مباحثی می‌پردازد که برای ورود به مباحث اصلی پژوهش در بخش‌های بعدی مورد نیاز است. از این منظر در فصل نخست مسأله‌ی روش مورد بررسی قرار گرفته و طی آن روش مختار پژوهش تبیین شده است. در فصل دوم به تبارشناسی گفتمان ولایت فقیه پرداخته‌ایم و طی آن شرایط امکان نظریه‌ی ولایت فقیه و تحولات آن در بستر تاریخ تا عصر مشروطه، به اجمال بررسی شده است. تأمل در مسأله‌ی تبارشناسی ولایت فقیه، زمینه را برای فهم چیستی تحولات آن در دوره معاصر فراهم می‌کند.

در بخش دوم که به گونه‌ای می‌توان آن را مهم‌ترین بخش رساله تلقی کرد، سه فصل گنجانده شده است. این بخش اصولاً متکفل بیان جایگاه انقلاب در گفتمان ولایت فقیه است. در فصل سوم پژوهش به عنوان نخستین فصل این بخش، امتناع مدلول سیاسی دال انقلاب، در گفتمان سیاسی سنتی ایران بررسی شده است. در فصل چهارم چرخش‌های زبانی در تثبیت مدلول سیاسی دال انقلاب مورد توجه بوده، و نهایتاً در فصل پنجم، شرایط امکان انقلاب اسلامی به عنوان محصول گفتمان ولایت فقیه مورد بررسی واقع شده است.

بخش سوم پژوهش ناظر به دوران جمهوری اسلامی تا پایان حیات حضرت امام خمینی (ره) است و طی آن به مسائل مرتبط با جمهوری اسلامی به مثابه نمودی از دولت مدرن در ایران توجه شده است. در فصل ششم، از شرایط امکان جمهوری اسلامی به عنوان نظام سیاسی استقرار یافته‌ی گفتمان انقلابی ولایت فقیه سخن رفته است و در فصل هفتم نیز به زمینه‌های ورود دال مصلحت در گفتمان ولایت فقیه و متعاقباً زایش گفتمان ولایت مطلقه پرداخته شده است.